

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)

سال بیستم، دوره جدید، شماره 7، پیاپی 87، پاییز 1389

جایگاه و اهمیت سکه در دعوت عباسی

سید احمد رضا خضری¹

عباس احمدوند²

چکیده

عباسیان در سال‌های پایانی دعوت خویش و در آستانه پیروزی نهایی بر امویان (132 هـ.ق.)، به ضرب سکه‌هایی با نقش برخی شعارهای انقلابی و تأکید بر نسبت با پیامبر خدا (ص) و ذکر آیه 23 سوره مبارکه شوری، پرداختند. آنان همچنین، در یک اقدام حساب‌شده، سکه‌های خود را مشابه سکه‌های عبدالله بن معاویه، دیگر انقلابی شیعۀ آن روزگار ضرب کردند. پرسش اصلی در این پژوهش آن است که انگیزه رهبران و داعیان عباسی از این اقدام تحریک‌کننده و خطرناک چه بود؟ با بررسی منابع، ماخذ و تصویرهای سکه‌های موجود، می‌توان به این نتیجه رسید که انگیزه اصلی عباسیان از این اقدام نشان دادن فراگیری جنبش و کار بست تمامی روش‌ها و ابزار برای پیروزی و انتقال از مرحله انقلاب به مرحله حکمرانی بود. آنان همچنین با ضرب سکه و استفاده از آن در دادوستدهای خود، در جریان

1. دانشیار دانشگاه تهران akhezri@ut.ac.ir

2. استادیار دانشگاه زنجان aahmadvand@gmail.com

تاریخ دریافت: 88/10/5 تاریخ تصویب: 89/8/16

اقتصاد رو به سقوط امویان در نواحی شرقی، اخلال ایجاد می‌کردند. شناخت انگیزه‌های رهبران و داعیان برجسته دعوت، به‌ویژه ابومسلم خراسانی، در ضرب این سکه‌ها و ویژگی‌ها و چگونگی ضرب آن‌ها به ما کمک می‌کند تا بسیاری از جنبه‌های تاریک دعوت عباسی را دریابیم و موضع‌گیری آنان را در مورد سایر قیام‌های موازی به‌ویژه قیام عبدالله بن معاویه بشناسیم.

واژه‌های کلیدی: دعوت عباسی، ابومسلم خراسانی، سکه‌های دوران

دعوت، عبدالله بن معاویه.

مقدمه

با وجود مطالعات گسترده‌ای که درباره نهضت عباسی انجام گرفته است، هنوز نکات مبهم و جنبه‌های پیچیده‌ای چون هویت واقعی ابومسلم، خاستگاه نژادی قیام‌کنندگان خراسانی، و دلایل و انگیزه‌های آنان در همراهی با نهضت و ... وجود دارد که نیازمند بررسی و واکاوی دقیق است. یکی از این موضوعات آن است که چرا رهبران این نهضت پیش از پیروزی قطعی و پایان دادن به حکومت امویان (132 هـ.ق.) توسط ابومسلم، داعی بزرگ عباسی در خراسان، به ضرب سکه‌هایی حاوی شعارهای انقلابی عباسیان پرداختند؟ آیا می‌توان ضرب این سکه‌ها را، که ناگزیر، در دسترس مردم کوی و برزن قرار می‌گرفت و به‌واسطه ارزش اقتصادی در داد و ستدهای کم‌ارزش به کار می‌رفت، به منزله اعلام زود هنگام پیروزی عباسیان دانست و آن‌را به مثابه تشکیل دولتی نو (دولت عباسی) در درون دولت قدیم (دولت اموی) و یا دست‌کم نویدی برای دست‌یابی زود هنگام بر این آرزو فرض کرد؟ آیا عباسیان پیش از شکست قطعی امویان در زاب، خویش را پیروز واقعی میدان می‌دانستند؟ اگر این گونه است، دیگر نمی‌توان و نباید جنبش عباسیان را حرکتی هوشمندانه و انقلابی صبورانه فرض کرد. از طرف دیگر، شاید بتوان این نوع اقدامات را

زمینه‌ساز چنین تصوراتی پنداشت و آن‌ها را در خدمت دستگاه تبلیغاتی عباسیان به‌شمار آورد که می‌کوشید با بهره‌گیری از تمامی امکانات و ابزار ممکن و در دسترس، راهی به جلو بگشاید.

ملاحظات روش‌شناسی

برای انجام هر پژوهشی در باب سکه‌ها، باید به دو نکته یا مقدمه اساسی توجه داشت و آن‌ها را در پژوهش خویش در نظر آورد؛ نخست آنکه، باید به‌طور کامل فهمید چه چیزی (اعم از تصویر، کلمه و جز آن) روی سکه نقش بسته و در متن آن آمده است (Bacharach, 2006: 5-8)؛ این مسئله اهمیتی به‌سزا دارد، زیرا اگر واژه‌ای یا علامتی را آن‌گونه که بوده است، نخوانیم و درنیابیم، در تحلیل‌ها دچار اشتباه و سوء برداشت‌های عمیق خواهیم شد. دومین نکته آن است که پس از انجام مرحله اول، باید معنا و مفهوم هر نشانه و علامت خاص بر روی سکه را بشناسیم (Ibid) و مهم‌تر از آن، معنا و مفهوم خاص آن علائم را در گفتمان¹ رایج زمانه‌ای که سکه بدان تعلق دارد، دریابیم.

بدین ترتیب، هنگامی با سکه‌ای مواجه می‌شویم که به فرمان ابومسلم خراسانی، پیش از پیروزی قطعی بر امویان ضرب شده است، ابتدا باید متن سکه و نوشته‌ها و علائم روی آن را به‌درستی بخوانیم و دریابیم و آن را از دیگر سکه‌های مشابهی که دیگر افراد ضرب کرده‌اند، متمایز سازیم؛ آن‌گاه به بررسی معنا و مفهوم متن سکه‌ها و نوشته‌های آن در هنگام آغاز رسمی قیام عباسی پرداخته، سکه یا سکه‌های مورد نظر را در رابطه با نهضت عباسی، تبلیغات عباسیان و مسایل اداری - مالی خراسان در اواخر عهد اموی، واکاوی کنیم.

سکه‌های انقلابی اواخر امویان

نخستین گام در بحث از سکه‌های ابومسلم خراسانی آن است که معین کنیم چه سکه‌هایی به فرمان وی ضرب شده است و چه سکه‌هایی به خطا یا اشتباه به او نسبت داده شده است. برخی پژوهشگران و سکه‌شناسان معاصر بر این باورند که ابومسلم از سال 127 هـ.ق. به بعد به ضرب

1. Discourse

سکه اقدام کرده است؛ این افراد ضرب سکه‌های انقلابیون اواخر امویان را طی سال‌های 127-131 هـ.ق. به تمامی، جزو تبلیغات عباسیان به‌شمار آورده‌اند و چون کار دعوت عباسی در این ایام، به‌دست ابومسلم سامان می‌یافت، همه این سکه‌ها را به او نسبت داده‌اند (یوسف، 2003: 67؛ قیسی، 2001: 44). آنچه این پژوهشگران را بیشتر بدین گمان واداشته است، ضرب بخشی از آیه 23 سوره مبارکه شوری «قل لا أسألكم عليه أجراً إلا المودة فی القربی» روی سکه‌های ضرب شده از سال 127 هـ.ق. به بعد، تا سال 131 و حتی 136 هـ.ق است، (نک: تصویر شماره 5)؛ زیرا این آیه نمایانگر لزوم توجه مسلمانان به *ذی القربی* (خویشاوندان پیامبر خدا) است. عباسیان در آن روزها مدعی بودند که مصداق راستین خویشاوندان، پیامبر خدا هستند. بنا بر همین ملاحظات می‌بینیم، این آیه دست کم در بخش مهمی از تبلیغات عباسیان به کار رفته است؛ چنان‌که ابوالعباس سفاح (خلافت: 132-136 هـ.ق)، نخستین خلیفه عباسی نیز این بخش از آیه را در خطبه روز بیعت خود در کوفه به کار برد (طبری، 425/7)؛ بنابراین، چنین وانمود کرد که مبنای تبلیغات عباسیان بر این نوع آیات استوار است. از این رو، وجود این بخش از آیه مذکور روی سکه‌های فوق، محققان را هر چه بیشتر بدین گمان سوق داده است (بکری، 1978: 120). این سکه‌ها که بیشتر، فلس (مسین) است، در مکان‌های متعددی چون جی، ری، (نک: تصویر شماره 3 و 4) سیمره، اصطخر، بلخ، بخارا، مرو و رامهرمز ضرب شده است. با این حال، نکته جالب در گزارش‌های تاریخی آن است که ابومسلم خراسانی تا پیش از سال 129 هـ.ق. در سفیدنج بود و هیچ‌گاه دعوت خویش را آشکار نمی‌ساخت و حتی المقدور آن را مخفیانه و گام‌به‌گام پیش می‌برد (یار شاطر، 1381: 91؛ بهرامیان و سجادی، «ابو مسلم» در دبا). حتی صاحب اخبارالدوله العباسیه از قول سلیمان بن کثیر تصریح می‌کند که قیام عباسیان از خوارزم آغاز شده، تا بدین وسیله کانون دعوت را از مرکز فرمانروایی والی اموی خراسان دورتر و امکان فراهم آمده برای پیشبرد سریع دعوت را توجیه نماید (اخبارالدوله العباسیه، 1971: 273). با این وصف، آیا می‌توان ادعا کرد ابومسلم خراسانی پیش از آشکار شدن دعوت، بر نواحی دوردستی چون ری، جی، اصفهان و سیمره تسلط یافته یا پیش از سال 129 هـ.ق. دعوتش به آنجا رسوخ کرده بود (در باب روند

گسترش دعوت عباسیان در مناطق گوناگون. نک: صالح سعیدآغا، 343-365)، که در پی آن سکه‌ای ضرب و در تبلیغات یا دادوستد طرفداران عباسی و دیگر اقشار مردم به کار رود؟ از سوی دیگر، طبری که یکی از قدیمی‌ترین گزارش‌های تاریخی را درباره دعوت عباسی نگاشته است، بر این باور است که ابومسلم پس از غلبه بر نواحی خراسان، قحطبه بن شیب را به فتح نواحی جبال فرستاد (طبری، 7/ 388)؛ همچنین روشن است که مقابله با امویان، به رهبری مروان حمار آخرین خلیفه اموی، برای عباسیان بسیار مهم‌تر از تسلط آنان بر شهری چون رامهرمز در خوزستان بوده است. از این رو، چگونه می‌توان ضرب سکه توسط ابومسلم را در محلی چون رامهرمز حتی پیش از دست‌یابی بر آن ناحیه پذیرفت؟ البته به تازگی سکه‌ای مربوط به سال 131 هـ.ق. و حاوی شعار انقلابیون عباسی، در محل زاب پیدا شده است (قیسی، 2001: 47 و 46)، که به نظر می‌رسد مربوط به دوران غلبه سیاه‌جامگان خراسان بر عراق، شام و شمال آفریقا باشد که در آن زمان دولت اموی در شام ساقط شده و در آستانه فروپاشی کامل بود. با این وصف، سکه‌های انقلابی ضرب شده در فاصله سال‌های 127-129 هـ.ق. در نواحی جبال از آن چه کسی خواهد بود؟

قیام عبدالله بن معاویه و سکه‌های او

عبدالله بن معاویه بن عبدالله بن جعفر بن ابی‌طالب در سال 127 هـ.ق. در کوفه قیام کرد (طبری، 302/7؛ اصفهانی: 1987: 12، 265-267؛ نوبختی، 1355: 33). روایات درباره علت قیام وی گوناگون است (روایات ابی‌مخنف و ابو عبیده معمر بن مثنی در طبری، 7/ 304 به بعد)، به هر روی، از قیام او چندان استقبال نشد و حتی از عبدالله بن عمر بن عبدالعزیز بن مروان، والی اموی عراق شکست خورد و ابن معاویه به ناچار به جبال روی آورد (طبری، 7/ 302-303؛ اصفهانی، همان) تجربه عباسیان و دعوتی که مخفیانه در خراسان پیش می‌رفت و عبدالله نیز از آن آگاه بود، وی را به این ضرورت رهنمون گشت که به مناطقی روی آورد که احتمال موفقیتش بیشتر باشد؛ از این رو، ابتدا به مدائن، سپس به ری و سرانجام به فارس رفت و در مناطق جبال از جمله ماه کوفه، ماه بصره، همدان، قم، ری، قومن، اصفهان و فارس تسلط یافت و در نهایت در اصفهان مقیم شد

(طبری، 371/7). او در جبال طرفدارانی یافت و مردم با وی بیعت کردند؛ ابن معاویه موفق به گردآوری خراج نیز شد، از این رو، به امصار (شهرهای مهم) نامه نوشت و همگان را به امامت خود فراخواند (طبری، 372/7؛ اصفهانی، 157). در پی این اقدام، والیان و کارگزارانی برای ولایات تعیین کرد و شماری از برادران خویش را بر نواحی مختلف گمارد؛ برادرش حسن را بر اصطخر، برادرش یزید را بر شیراز، برادر دیگرش علی را بر کرمان؛ و صالح، دیگر برادرش را بر قم و نواحی آن (طبری، همان؛ اصفهانی، همان). در همین حال، بنی هاشم و حتی سفاح، منصور و عیسی بن علی از عباسیان و برخی از سران اموی قریش و غیره به او پیوستند و با وی بیعت کردند (طبری، همان؛ اصفهانی، همان). عبدالله برای جلب هواداران به آن‌ها صله‌های گرانبها و امارت می‌داد (اصفهانی، همان). بر پایه آنچه گذشت، می‌توان ادعا کرد که قیام ابن معاویه به تشکیل نخستین حکومت شیعی (علوی) در نیمه اول سده دوم هجری منجر شده است و از آنجا که هر حکومتی، هر چند محدود، به ابزار خاص حکومتی از جمله ابزار مالی و در رأس آن سکه نیاز دارد، بی تردید، عبدالله نیز در نخستین اقدامات خویش به ضرب سکه پرداخته است تا بدین وسیله هم موجودیت و استقلال حکومتی خود را اعلام دارد و هم سکه‌های اموی را، که از نظر او غاصب خلافت بودند، از اعتبار بیندازد.

عبدالله بن معاویه نخستین شورشی نبود که به ضرب سکه اقدام کرد، پیش از او نیز زبیریان و برخی از گروه‌های خوارج بدین کار دست زده بودند (برنهایمر، 391؛ سرفراز و آورزمانی، تصاویر ص 153)، اما عبدالله به صورت فراگیر به ضرب سکه پرداخت که سکه‌های باقی مانده از 127 و 128 هـ.ق. در جی؛ 128 و 129 هـ.ق. در سیمره؛ 128 هـ.ق. در ری؛ 128 هـ.ق. در رامهرمز و 129 هـ.ق. در اصطخر (برنهایمر، 384، 387)، نشانگر این فراگیری است. نمونه متن سکه عبدالله را می‌توان با توصیف سکه مسین (فلس) سال 127 هـ.ق. در ری این گونه معرفی کرد:

(نک: تصویر شماره 2)

روی سکه:

سطر اول: «بسم الله ضر»

سطر دوم: «ب هذا الفلس»

سטר سوم: «بالری سنه سبع»

سטר چهارم: «عشرین و مئه»

پشت سکه

سطر اول: «مما امر به»

سطر دوم: «الامیر عبدالله»

در سطر سوم: «بن معویة»

و در حاشیة پشت سکه نیز بخش مشهور آیه 23 شوری نقش بسته است (مایلز، 15؛ بکری، 1978: 120؛ برنهایمر، 389).

البته در دیگر سکه‌های عبدالله (در دیگر شهرها و تاریخ‌ها) تفاوت‌هایی جزئی به چشم می‌خورد (هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون. نک: مایلز، 16-18؛ یوسف، 2003: 67-68).؛ حتی در مواردی مانند دیگر سکه‌های اسلامی آیاتی از سوره مبارکه اخلاص یا بخشی مشهور از آیه سی و سوم سوره مبارکه توبه آمده است (مایلز، همان؛ یوسف، همان؛ برنهایمر، همان)، اما در تمامی سکه‌های عبدالله بن معاویه، بخشی از آیه 23 سوره مبارکه شوری «قل لا اسئلكم علیه اجر الا الموده فی القربی»، یکسره، تکرار شده است. در یک مورد استثنایی، در مورد سکه سال 127 در جی، حاشیة خارجی پشت سکه عبارات بیشتری از آیه 23 سوره یاد شده دارد و بدین صورت آمده است: «قل لا اسئلكم علیه اجر الا الموده فی القربی و من یقترب حسنه نزد له فیها حسناً» (یوسف، 2003: 98).

با این حال، سکه‌هایی نیز وجود دارد که ضمن داشتن بخش مشهور آیه 23 سوره شوری، در سال‌های پس از مرگ یا ناپدید شدن ابن معاویه ضرب شده (نک: ادامه مقاله) و چون دارای نام ابومسلم خراسانی است، می‌توان گفت که توسط این دعوتگر عباسی ضرب شده است؛ برای مثال سکه سال 129 هـ.ق. بلخ، که دارای متن ذیل است: (نک: تصویر شماره 3) روی سکه:

مرکز: «الله احد، الله الصمد، لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفواً احد.»

حاشیه: «محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون.» (آیه 33 / توبه).

پشت سکه:

مرکز: «لا اله الا الله وحده لا شریک له»

حاشیه داخلی: بخش مشهور آیه 23 سوره شوری

حاشیه خارجی: «بسم الله ضرب ببلخ سنه تسع و عشرين و مائه» (تراپی طباطبایی، 1350: ش 5) تصویر ص 347). این سکه و دیگر سکه‌هایی که شعار مودت در حق ذی القربی است، ضرب ابومسلم خراسانی است (مایلز، 20-21؛ برنهایمر، 391) در این موارد که نام ضرب کننده سکه، عبدالله بن معاویه یا ابومسلم روی سکه نقش بسته است، تعیین این که چه کسی آن را ضرب کرده است، آسان است، اما اشکال کار در آنجاست که برخی سکه‌ها که در فاصله سال‌های 127-131 ضرب شده، بخش مشهور آیه 23 سوره مزبور نیز روی آن هست، اما نام ضرب کننده یا کسی را که فرمان به ضرب آن داده است، در بر ندارد (لین پول، ش 246، ص 26؛ بکری، 1978: 120-122، با نمونه‌های فراوان از موزه‌های عراق، قاهره و استانبول).

این تشابه موجب اشتباه محققان شده، به گونه‌ای که سکه‌های عبدالله بن معاویه و ابومسلم خراسانی را، صرف نظر از وقایع تاریخی، یکی دانسته‌اند (بکری، 1978: 120-122؛ سرفراز و آور زمانی، تصاویر شماره 7، ص 160). اما محققان دیگری کوشیده‌اند این سکه‌ها را تفکیک کنند. برخی از پژوهشگران سکه‌های کوفه، همدان، ماهین، ری، جی، سیمره، سابور و اصطخر را از آن عبدالله بن معاویه و سکه‌های بلخ، مرو، بخارا و جرجان را از آن مسلم خراسانی می‌دانند (نک: مایلز، 16). البته این تقسیم جامع و مانع نیست، ابومسلم نیز در سال‌های بعد در برخی مناطق جبال و ری سکه‌هایی مشابه سکه‌های عبدالله بن معاویه ضرب کرده است. بدین منظور، محققان معاصر چون کارل ورتزل دست به طبقه‌بندی جدیدی از سکه‌ها زده‌اند. ورتزل سکه‌هایی از این دست را سکه‌های «انقلابیون اواخر اموی» می‌نامد و آن‌ها را چنین دسته‌بندی می‌کند: 1. سکه‌های ابن معاویه؛ 2. سکه‌های ابومسلم؛ 3. سکه‌های کرمانی؛ 4. سکه‌های برخی خوارج (ورتزل، 161-

199). تفکیک سکه‌های خوارج و کرمانی چندان دشوار نیست، زیرا نقش و شعار ایشان از دیگر سکه‌ها متفاوت است، اما شعار سکه‌های ابن معاویه و ابومسلم مشابه است. در سکه‌هایی که نام ضرب کننده وجود دارد، کار تفکیک بسیار آسان است (برنهایمر، 389) لیکن در موارد دیگر با مقایسه سکه‌های مذکور، نمی‌توان راه به جایی برد. با این حال، با مقایسه سکه‌های ابن معاویه و ابومسلم درمی‌یابیم این دو تفاوت‌هایی با هم دارند؛ برای نمونه، در سکه‌های ابن معاویه، بخش مشهور آیه 23 سوره شوری، دایره‌وار، پشت سکه قرار گرفته است، حال آنکه در سکه‌های ابومسلم به نوعی نقش مربع در حاشیه برمی‌خوریم (برنهایمر، 391). همچنین در حاشیه روی سکه‌های ابن معاویه در بیشتر موارد نقش 000 به چشم می‌خورد، اما سکه‌های ابومسلم این نقش را به صورت $\ddot{O} \cdot \ddot{O} \cdot \ddot{O}$ نشان می‌دهد (مایلز، 16؛ برنهایمر، 384-388 و تصاویر آنها).

با مقایسه، در مورد سکه‌هایی که نام ابن معاویه و ابومسلم را دربردارند و سکه‌های بی‌نام که تفاوت‌های این‌چنینی دارند، می‌توان نتیجه گرفت که ابومسلم خراسانی نقش سکه‌های ابن معاویه را تقلید کرده است؛ کاری که پیش از این عبدالملک بن مروان انجام داد و نقش شهادتین را از سکه‌های زبیریان تقلید نموده و بر سکه‌هایش افزود (برنهایمر، 391) (نک: تصویر شماره 6 و 7).

سکه‌های ابومسلم خراسانی

قدیمی‌ترین سکه‌های ابومسلم، از میان مجموعه سکه‌های ضرب شده تا سال 136 هـ.ق. (برای موارد متعدد سکه‌های باقیمانده وی، نک: تصاویر با کدهای 130/395؛ 1917/216/3514؛ 1959؛ 3/224/1971؛ 1453/316/1971 موجود در انجمن سکه‌شناسی آمریکا) سکه سال 129 هـ.ق. بلخ است (ترابی طباطبایی، 1350: ش 5، 347)، این سکه‌ها را به دو گروه می‌توان تقسیم کرد؛ نخست سکه‌هایی که نام ابومسلم را به شکل‌های «ابومسلم»، «امیر آل محمد» و «امیر عبدالرحمن بن مسلم» در بر دارد (مایلز، 20-21؛ برنهایمر، 391)؛ و دسته دوم سکه‌هایی که نام

1. سکه‌های تصویر 6 و 7 در بانک مجموعه‌های سکه‌شناسی بین‌المللی آمریکا به ANS Ann | 12/10/82, 7 Sotheby Rep 1983 | Treadwell. A4 موجود است.

ابومسلم را ندارد، اما بنا بر زمان و مکان ضرب و شعار دعوت عباسی و آیه قل لا اسألكم... بر آن، به امر وی ضرب شده است (سکه‌های 130 - 132 هـ.ق. بلخ؛ 130، مرو؛ 130 جرجان؛ و 131 هرات، ورتزل، 176-188؛ 192-193؛ برنهایمر، 390). البته در تمام موارد، این سکه‌ها حاوی بخش مشهور آیه 23 سوره شوری است (برنهایمر، 39) تا هماهنگی میان این آیه و شعار مشهور عباسیان «الرضا من آل محمد» را نشان دهد و علاقه‌مندی مسلمانان را به ذی‌القربی (خویشان پیامبر، در تبلیغات عباسی عباسیان) به تصویر کشاند (یار شاطر، 90؛ لويس، «عباسیان» در EI²).

جایگاه سکه در نهضت عباسی

همان‌طور که ملاحظه شد، از میان سکه‌های انقلابیون اواخر دوران اموی، برخی متعلق به ابومسلم خراسانی و دعوت عباسی بود؛ حال پرسش اساسی و مهم این است که ضرورت ضرب این سکه‌ها در آن شرایط چه بود؟ واقعیت این است که همان‌گونه که پیش از این آوردیم، ابومسلم در سال 129 هـ.ق. قیام خویش را علنی ساخت (طبری، 7/ 353؛ نیز موسکاتی، «ابومسلم» در EI²)، بنابراین روایات، در یک روز حدود هزاران تن به او پیوستند و پس از مدتی شمار طرفداران وی به اندازه‌ای رسید که نصرین سیار، آخرین والی اموی خراسان، در نامه مشهور خویش به مروان حمار که ابیاتی مشهورتر داشت، شمار آنان را هزاران تن برآورد کرد (دینوری، 1960: 357). به گفته دینوری، مردم از هرات، پوشنگ، مروالرو، طالقان، مرو، فسا، ایرو، طوس، نیشابور، سرخس، بلخ، چغانیان، تخارستان، ختلان، کش و نسف، همگی جامه سیاه بر تن کردند و نیمه‌ای از چوب‌دستی‌های خویش را که «کافر کوب» می‌خواندند، به رنگ سیاه درآورده و با اسب و درازگوش و یا پیاده به راه افتادند (دینوری، 1960: 361-364؛ آذرنوش، 1385: 47). این افراد که حتی نحوه پوشش و وسایل مبارزه خود را به شکل مورد نظر عباسیان درآورده بودند (طبری، 7/ 388، پرچم سیاه ابراهیم امام؛ موسکاتی، همان)، آشکارا به مبارزه با امویان برخاسته بودند؛ این حاکی از آن است که عباسیان نیز مانند دیگر مبارزان و قیام‌کنندگان از تمام ابزار برای پیروزی خویش بهره برده و چون به مدد خراسانیان مرو کرسی امویان در خراسان را به تسخیر درآوردند، با فرماندهی

ابومسلم خراسانی در وضعیتی قرار گرفتند که چندی پیش ابن معاویه در فارس و جبال در آن قرار داشت.

بر اساس آنچه گذشت، می‌توان گفت، اینک دعوت آشکار عباسیان طرفدارانی انبوه یافته بود؛ به گونه‌ای که حکومت سابق را، به‌جد، در خطر انقراض قرار داده و زمینه استقرار حکومت تازه را فراهم ساخته بود؛ همچنین دستگاه تبلیغات عباسی هم باید دست به کار می‌شد و افزون بر تشویق انقلابیون، زمینه‌های لازم را برای انتقال از مرحله انقلاب به مرحله حکمرانی فراهم می‌ساخت. ضرب سکه یکی از ابزار مهمی بود که می‌توانست به‌خوبی این دو هدف را برآورده سازد؛ عباسیان با ضرب سکه می‌توانستند از یک‌سو نشان دهند که دیگر کار امویان تمام است و با به‌کارگیری سکه‌ها در معاملات و دادوستدهای کوچک (بکری، 1978: 122) جریان اقتصادی رو به سقوط امویان را در خراسان و دیگر نواحی با اخلال روبرو سازند. بدین ترتیب، استقرار حکومتی با سپاه، دارالاماره، سکه، خطبه و تشکیلات تازه تسهیل می‌گشت. گفتنی است، سکه‌های انقلابی ابومسلم بیشتر از جنس فلس بود که ارزش و رسمیت کمتری داشت (بکری، همان؛ میرجلیلی: 1379) و امکان اعمال هر نوع تغییر را از سوی رهبران اصلی دعوت عباسی در آینده باقی می‌گذاشت. به همین دلیل، در دوره‌های بعد سکه‌های دولت عباسی تغییر می‌یابد و جز یک مورد، سکه سال 132 هـ.ق. سفاح در توج فارس که شعار انقلابی «مودت ذی القربی» همچنان بر آن نقش بسته است (برنهایمر، 392؛ یوسف، 2003: 73)، دیگر سکه‌های رسمی حکومت عباسی آیه مشهور سوره شوری را ندارد که به احتمال برای دورنگاه داشتن مردم از مصادیق حقیقی اهل بیت (س) بوده است.

تا پیش از تشکیل حکومت عباسی، مردم از سر وظیفه دینی به اهل بیت محبت می‌ورزیدند؛ این خاندان و شخص الرضا من آل محمد را نیرویی می‌دانستند که می‌خواست یا بایسته بود که آنان را از ظلم دامنگیر امویان رهایی بخشد. در تفسیر آیه 23 سوره شوری نیز از قول ابن عباس روایت شده است که منظور از عبارت «من یقترب حسنه» کسب دوستی آل محمد است (یوسف، 2003: 68)؛ اما پس از تشکیل حکومت عباسی، دستگاه تبلیغاتی آنان دیگر عباسیان را بخشی از اهل بیت معرفی نمی‌کرد، بلکه تنها ایشان را مصداق راستین اهل بیت و شایسته خلافت می‌دانست.

خطبهٔ سفاح، نخستین خلیفه عباسی، در مراسم بیعتش برای خلافت بسیار مهم است؛ این خطبه حاوی این نکات مهم است: 1. سپاس خدا؛ 2. ذکر نام پیامبر و اینکه عباسیان منسوبین نزدیک و وارثان او هستند؛ 3. تأکید بر اینکه خداوند قرآن کریم را بر اهل اسلام فرو فرستاد و آن در بردارندهٔ آیاتی است که بر نزدیکی و قرابت اهل بیت با پیامبر (ص) تأکید دارد (طبری، 7/ 425)؛ از آن جمله: آیهٔ 33 / احزاب؛ 23 / شوری؛ 214 / شعراء؛ 7 / حشر؛ 41 انفال. از آنچه گذشت، می-توان نتیجه گرفت که سفاح در این خطبه با تأکید بر قرابت و پیوند خویشاوندی میان عباسیان و پیامبر و ذکر فضایل اهل البیت، آن هم پس از دست‌یابی بر پیروزی در صدد آن است تا وانمود نماید که دیگر، مردم باید از سر ایمان و انجام وظیفه، مطیع امیر مؤمنان که از اهل بیت است، باشند و بس.

انگیزه‌های ابومسلم و ضرورت‌های دعوت عباسی

در آستانهٔ آشکارسازی قیام عباسیان، ابومسلم با برخی از جنبش‌های موازی علویان مواجه شد؛ یکی از آن‌ها جنبش عبدالله بن معاویه بود که نخست، مردم را به «الرضا من آل محمد» و سپس، در مرحلهٔ تشکیل حکومت در جبال، به خویش فراخواند و چنین وانمود که منظور از «الرضا من آل محمد» خود اوست (اصفهانی، 1987: 157). این اقدامات می‌توانست برای خلافت در حال تولد عباسی، که محبت اهل بیت مبنای حکومتش بود، همچون سمی کشنده باشد و آن را در نطفه خفه کند. از این رو، ملاحظه می‌کنیم، هنگامی که مروان حمار، عامر بن ضبّاره، سردار خویش را با لشکری گران به سوی ابن معاویه فرستاد (اصفهانی، اغانی، 12، 268)، عبدالله بن معاویه یارانش را به نبرد در برابر ابن ضبّاره فراخواند، ولی آنان وی را اجابت نکردند. البته نباید منکر لشکر گران اموی و سست‌عنصری یاران ابن معاویه شد، اما موج منفی که در نوشته‌های دوان عباسی دربارهٔ عبدالله بن معاویه و اطرافیان و قیام او به چشم می‌خورد، نشان می‌دهد که قیام بی‌موقع ابن معاویه تنفر عباسیان را برانگیخت. از همین رو بود که، بنا بر گفتهٔ مورخان، در آن شرایط حساس سفاح، منصور و عیسی بن علی نیز به ابن معاویه پیوستند (اصفهانی، همان)؛ البته هدف آنان یاری رساندن به ابن معاویه نبود، بلکه سران خاندان عباسی بر آن بودند تا چند و چون کار او را بررسی کرده و

پس از شناسایی نقاط ضعف و قوت دعوت وی، آن را به مثابه تجربه‌ای عملی در کار خود به-کارگیرند. از آن جمله است؛ ابوالفرج اصفهانی ضمن ارائه اطلاعات نسبتاً مهمی درباره قیام ابن معاویه او را فردی بخشنده، جنگاور و شاعر، در عین حال سیره وی را ناپسند و مذهبش را پست و خودش را بی رحم به‌شمار آورده و یارانش را به زندقه متهم کرده است (اصفهانی، الاغانی، 12، 262؛ مقاتل، 154 و 157). ابوالفرج اصفهانی در ادامه می‌نویسد: اگر گمان نمی‌رفت خبری از او به ما نرسیده است، اخبار وی را همراه اخبار کسانی که ذکر کرده‌ایم، نمی‌آوردیم (اصفهانی، 1987: 152). از نظر ابوالفرج، همه نزدیکان ابن معاویه همچون کاتبش عماره‌بن حمزه؛ ندیمش مطیع‌بن ایاس؛ بقلی ندیم دیگرش و قیس صاحب شرطه‌اش، زندیق و دهری بودند و بر کار او تسلط داشتند (اصفهانی، الاغانی 12، 262؛ همان، مقاتل، 153).

این موج منفی بر ضد عبدالله بن معاویه وقتی در کنار چگونگی توطئه برای قتل او به‌دست ابومسلم قرار می‌گیرد، به‌راستی، تأمل‌برانگیز است. در روایات تاریخی می‌خوانیم که؛ چون ابن معاویه تنها ماند، به بهانه یاری ابومسلم راهی خراسان شد (اصفهانی، 1987: 157). هنوز روشن نیست چه چیزی و چه پیش‌بینی‌هایی او را بدین طمع کشانده بود. آیا ابن معاویه واقعاً از قیام عباسیان در خراسان خیر نداشت و نمی‌دانست چنین قیامی، ناگزیر، رهبر و اهدافی خاص دارد؟ با این همه، عبدالله با بیم و امید راهی خراسان شد، اما ابومسلم به‌جای یاری وی، بی‌درنگ او را به زندان افکند (نوبختی، 1355: 32-34؛ اصفهانی، همان) و حتی بر او جاسوس گمارد، (همان 12، 268)؛ زیرا حضور این رهبر علوی را که تجربه تشکیل حکومت را نیز داشت، کاملاً به‌ضرر قیام عباسی می‌دانست. به‌ویژه که ابن معاویه در زندان، اطاعت کورکورانه و بی‌چون و چرای خراسانیان ابومسلم را زیر سوال برده (اصفهانی، 12، 268) و طی نامه‌ای مشهور که از زندان به ابومسلم نگاشت و نص آن در کتاب اغانی باقی است (اصفهانی، 12، 269)، عملاً دعوت در حال شکوفایی عباسیان و اقدامات ابومسلم را به چالش کشاند. هیچ بعید نبود که این بگو مگوها آن هم در آستانه آشکار ساختن دعوت عباسی بهانه‌ای دست آن گروه از انقلابیون بدهد که در تعیین مصداق «الرضا من آل محمد» تردید کند و امامت و رهبری عباسیان را به خطر انداخته و شرایط را به نفع علویان تغییر دهد (بهرامیان و سجادی، «ابومسلم» در دبا؛ اخبار الدوله، ص 403).

بنابراین، ابومسلم دستپاچه و نگران تصمیم گرفت تا این خطر بالقوه را از بین ببرد (اصفهانی، همان).

سرنوشت عبدالله بن معاویه نامعلوم است (اصفهانی، 1987: 158)، برخی روایات بر این باورند که ابومسلم او را به قتل رسانده یا مسموم کرده است (نوبختی، 1355: 33-35؛ اصفهانی؛ همان، 12، 269)؛ برخی نیز بر این گمان‌اند که ابومسلم جنازه یا سر، یا حتی زنده او را به ابن‌ضباره، سردار اموی، تحویل داده است (اصفهانی، همان‌جا). این سرنوشت نامعلوم نشان می‌دهد ابومسلم قصد بهره‌برداری از قیام ابن معاویه و تقویت قیام خویش را (مانند کاری که عباسیان در آغاز دعوت ابوهاشم کردند) داشته است. ابومسلم می‌دانست که پس از عبدالله، یاران او همچنان در جبال پراکنده‌اند و با وجود آنکه امویان میان آن‌ها و عبدالله فاصله انداخته‌اند، انگیزه‌های ایشان در همراهی با علویان همچنان پا برجاست (نوبختی، 1355: همان‌جا). اینان می‌توانستند نیروی مهم و پشتوانه‌ای قوی برای دعوت عباسی در آن مناطق باشند؛ به ویژه که کار آن دعوت بیشتر در خراسان و شرق تمرکز یافته و در دیگر مناطق ایران کمتر توفیق یافته بود. از این‌رو، ابومسلم باید برای جذب این نیروها، گسترش دعوت به غرب و همراه کردن سپاه خویش با نمادهایی از تبلیغات گسترده عباسی کاری می‌کرد. ضرب سکه با نقوشی مشابه سکه‌های عبدالله بن معاویه، که حتی چندی در جبال نیز رواج داشت، می‌توانست ضرورت‌های تبلیغی و حکومتی خراسان و مشرق را پاسخ گوید؛ چنانچه انتخاب هوشمندانه نقوش سکه ابن معاویه، چنین وانمود می‌ساخت که گویی قیام ابن معاویه دقیقاً در مسیر نهضت عباسیان بوده است و اینک قیام و حکومت عباسی می‌کوشد کار ناتمام امثال عبدالله و دیگر قیام‌کنندگان ضد اموی را تکمیل کرده و تداوم بخشد (قیسی، 2001: 44). جالب آنکه با وجود دستگیری و قتل ابن معاویه به دست ابومسلم خراسانی، هنوز برخی سکه‌شناسان معاصر تحت تأثیر این اقدام هوشمندانه ابومسلم قرار گرفته و تمام سکه‌های ضرب شده از سال 127 ق - 132 ق (و 136 ق) را متعلق به ابومسلم دانسته‌اند (بکری، 1978: 120-122؛ یوسف، 2003: 67) و چندان که باید، از کوشش‌های ابن معاویه در مبارزه با امویان، تشکیل حکومت و ضرب سکه بحثی نمی‌کنند.

باری، ابومسلم برای پیشبرد کار خویش، نقش سکه‌های عبدالله بن معاویه را اقتباس کرده و در سکه‌های خود به کار برد و موفق شد دعوت را جانسین قیام و توفیقات عبدالله در جبال معرفی کند. ضرب این نوع سکه‌ها تا سال 136ق ادامه یافت و حتی چنانچه اشارت رفت، در سکه سال 132ق سفاح در توج هم به کار گرفته شد. متن این سکه بدین قرار است:

روی سکه:

مرکز: سطر اول «محمد»؛ سطر دوم «رسول»؛ سطر سوم «الله»؛

حاشیه بخش پیش گفته آیه 23 سوره مبارکه شوری.

پشت سکه:

مرکز؛ سطر اول «ه»؛ سطر دوم «اثنین»؛ سطر سوم «وثلثین»؛ سطر چهارم «ومئة»؛

حاشیه؛ «بسم الله مما امر به عبدالله امیر المؤمنین بتوج.» (یوسف، 2003: 73؛ برنهایمر، 392) (تصویر شماره 8).

جالب آنکه این سکه در توج فارس، یعنی بلاد سابق عبدالله بن معاویه ضرب شده تا به طور کامل، آثار منفی قیام موازی ابن معاویه را بزدايد (برنهایمر، 392 - 393) بعدها بخش مشهور آیه 33 / شوری در سکه‌های علویان طبرستان به کار رفت. (نک: یوسف، 2003: 74 - 76).

نتیجه‌گیری

بر پایه آنچه گذشت، می‌توان چنین نتیجه گرفت؛ عباسیان که از تمامی ابزار در دسترس برای پیروزی بهره می‌بردند، به نمایندگی ابومسلم، داعی بزرگ خراسان، با درک درست از دیگر قیام‌های موازی علویان (چون عبدالله بن معاویه) و اقداماتشان، ابتدا، اینان را در نبرد قدرت شکست داده، آن‌گاه از دستاوردهای مثبت اقدامات آنان نهایت بهره را برده و میراث‌دار آنان شدند؛ تا آنجا که برخی نواحی چون جبال ایران که کمتر در معرض تبلیغات عباسی قرار گرفته بود، پیش از آنکه به مدد سپاهیان پیروز عباسی به تصرف درآید، با ضرب سکه‌هایی مشابه با سکه‌های ابن

معاویه و به کار بردن شعارهای تبلیغاتی شبیه شعارهای او، برای پذیرش آسان‌تر دعوت و حکومت عباسی آماده شده بود.

پیوست‌ها



تصویر شماره 1



تصویر شماره 2



تصویر شماره 3



تصویر شماره 4



تصویر شماره ۵



تصویر شماره ۶

Http: //numismatics.org/collection/acnum/list (Islamic department, Mashriq,Iraq,AKWRA, / 692 to 693 / AR, drahm , 1983.14.1)



تصویر شماره 7

[Http: //numismatics.org/collection/accnum/list](http://numismatics.org/collection/accnum/list) (Islamic department, Mashriq, Fars Sabur, BYSh, / 686 to 687 / AR, drahm, 1975.238.12)



تصویر شماره 8

[Http: //numismatics.org/collection/accnum/list](http://numismatics.org/collection/accnum/list) (islamic departmen,Mashriq,uncertain,nm, / 748 to 749 / AE,fals,1971.316.1453)

منابع

قرآن کریم.

آذرنوش، آذرتاش. (1385). *چالش میان فارسی و عربی (سده‌های نخست)*. تهران: نشر نی.
الاصفهانی، ابوالفرج، (1408/1987 هـ)، *مقاتل الطالبیین*، شرح و تحقیق السید احمد صقر،
بیروت، مؤسسه الاعلی للمطبوعات .

الاصفهانی، ابوالفرج، (1423ق/2002م). *الاغانی*، بیروت، دار الفكر الکتب العلمیه.
ابوحنیفه الدینوری، احمد بن داود. (1960). *الاخبار الطوال*. تحقیق عبدالمنعم عامر، مراجعه
الدكتور جمال الدين الشیال، الطبعة الأولى. القاهرة: دار إحياء الکتب العربیه، عیسی البابی
الحلبی و شرکاه.

البکری، مهتاب درویش. (1978). «شعار الدعوة العباسیة علی النفوذ المضروبة فی ایران» *مجلة*
سومر. ج 24.

تراپی طباطبایی، سیدجلال. (1350). «سکه‌های شاهان اسلامی ایران». *نشریه شماره 5 موزه*
آذربایجان.

میر جلیلی، سیدحسین. (1379). «پول». *دانشنامه جهان اسلام*. زیر نظر غلامعلی حداد عادل.
بهرامیان و سجادی. (1372). «ابومسلم». *دایره‌المعارف بزرگ اسلامی*. زیر نظر کاظم موسوی
بجنوردی.

سرفراز، علی اکبر و فریدون آورزمانی. (1384). *سکه‌های ایران از آغاز تا دوران زندیه*. ج 4،
تهران: انتشارات سمت.

الطبری، ابی جعفر محمد بن جریر. (بی تا). *تاریخ الأمم والملوک*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم.
دار سویدان.

القیسی، ناهض عبدالرزاق. (2001). *موسوعه النقود العربیه والاسلامیه*. عمان الأردن: دار أسامه
للنشر والتوزیع، الطبقة الأولى.

_____ (1971). *اخبار الدولة عباسیه*. تحقیق الدكتور عبدالعزیز الدوری و الدكتور
عبدالجبار المطلبی، بیروت: دارالطبعة للطباعة و النشر.

النوبختی، ابی محمد الحسن بن موسی. (1355 / 1936). *فرق الشیعه*. صحح و علق علیه السید محمد صادق آل بحر العلوم. النجف: المطبعة الحیدری.
یار شاطر، احسان و دیگران. (1381). *حضور ایران در جهان اسلام*. ویرایش جرج صباغ - ریچارد جی. هووانسیان، ترجمه فریدون مجلسی. تهران: انتشارات مروارید.
یوسف، د. فرج الله أحمد. (2003 / 1423). *الآیات القرآنیة علی المسکوکات الاسلامیة*. الرياض: دراس المقارن، مرکز الملك فیصل للبحوث الدراسات الاسلامی.

American numismatic society: www.amanumsoc.org.

Bacharach L.Jere, 2006, Islamic History through coins, An Analysis and catalogue of 10 the century Ikhshidid coinage, the American university in Cairo press.

Bernheimer, Teresa 2006, "the revolt of, Abd allāh b. Mu'āwīa AH 127-130: a reconsideration through the coinage" in BSOAS, 69, 3 -.

Bernard Lewis, "Abbasid", in Encyclopedia of Islam; 1960-2002, 2nd edition, E.J.Brill , Leiden.

Lane – Poole, Stanley, , 1984, catalogue of the collection of Arabic coins preserved in the khedivial library in Cairo, al Arab bookshop, Cairo.

Miles, c George, 1938, the Numismatic history of Rayy, Numismatic studies No.2, New York, the American Numismatic society.

Said Agha, Saleh , Sep 2000 , "Abu Muslim, S conquest of khurasan: Preliminaries and strategy in confusing passage of the Akhbar al Dawalah al'Abbasiyyah" , journal of the American oriental society, Jul-, 120 , 3.

Wurtzel, Carl, 1978, "the coinage of the revolutionaries in the late Umayyad period", American Numismatic society museum notes, 23.